

الف: خود شخص (مقلد) یقین کند؛ مثل آن که خودش اهل علم باشد و بتواند مجتهد و اهل علم را تشخیص دهد.

ب: گواهی دو نفر عادل اهل خبره به شرط آن که دو نفر عالم عادل دیگر با گفته‌ی آنان مخالفت نکنند.

ج: از گفته عده‌ای از اهل علم (که می‌توانند اهل علم را تشخیص دهند) یقین یا اطمینان پیدا شود.

♦ **بر مکلف واجب است که جهت شناختن مجتهد اهل علم جستجو و تحقیق (تفحص) کند.**

♦ چنانچه دو یا چند مجتهد از نظر علمی با هم مساوی باشند شخص مقلد مُحَرَّر است به هر کدام از آنان که بخواهد رجوع کند. همچنان که می‌تواند بعضی از مسائل را از یکی و بعضی دیگر را از دیگری تقلید کند.

♦ اگر دو مجتهد هر یک در بخشی از احکام اهل علم باشند مثلاً یکی در احکام عبادات اهل علم است و دیگری در معاملات مکلف باید بنابر احتیاط واجب در هر بخش از اهل علم تقلید کند.

♦ وظیفه مکلف، در صورتی که احتمال اعلیت منحصر در دو نفر است و یقین به آن ممکن نیست. اگر:

الف: اگر عمل به احتیاط یا به احوط اقوال ممکن است، بنابر احتیاط واجب باید چنین کند.

ب: اگر عمل به احتیاط ممکن نیست، به فتوای هر کدام که بخواهد می‌تواند عمل کند.

♦ فرد مکلف در تقلید مستقل بوده و تابع دیگری نیست؛ افراد خانواده در صورتی می‌توانند در تقلید از یک مجتهد جامع شرایط از سرپرست خانواده تبعیت کنند که به صحت و درستی تحقیق او در انتخاب اهل علم اطمینان داشته باشند.

اختلاف نظر در مورد اهل علم

و در مقابل آن‌ها، گروهی شخص دیگری را اهل علم بدانند طوری که تشخیص اهل علم ممکن نباشد دو حالت برای مکلف ایجاد می‌شود:

۱. احتمال اعلیت یکی از مجتهدان را می‌دهد: از او تقلید کند.
۲. آنان را از نظر علمی با هم مساوی می‌دانند: در این صورت می‌تواند از هر کدام به اختیار خود، تقلید کند. فقط آیت الله سیستانی می‌فرماید که تخصص هر گروه که بیشتر باشد، نظر آنها مقدم است و اگر نتوانست بداند که کدام گروه تخصص بیشتری دارد از مرجعی باید تقلید کند که احتمال اعلیت او را می‌دهد.

تغییر (عدول) از غیر اهل علم به اهل علم، بنابر احتیاط، واجب است.

عدول از مجتهدی به مجتهد دیگر که از نظر علمی با هم مساوی هستند، جایز نیست، در صورتی که به فتوای آن مجتهد عمل کرده باشد.

عدول از اهل علم به غیر اهل علم، جایز نیست.

عدول از مجتهدی که مدتی از او تقلید می‌کرده و اکنون معلوم شده است که اهل بیت فتوی نداشته، واجب است.

عدول از مجتهدی که یکی از شرایط مرجعیت را از دست داده؛ مثلاً دیوانه شده یا فراموشی به او دست داده، به مجتهد جامع شرایط: واجب است.

عدول از مجتهدی که تاکنون از او تقلید می‌کرده و اکنون از دنیا رفته است به مجتهد زنده، جایز، بلکه احتیاط مستحب است.

اقسام احکام

مجموعه دستورهای دین که وظیفه‌ی انسان‌ها را در زندگی و کارهای روزمره مشخص می‌کند به آن‌ها «**احکام**» گفته می‌شود، پنج دسته هستند:

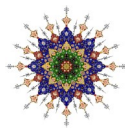
واجب: کاری که باید انجام داد و ترک آن گناه دارد. مانند نماز خواندن و روزه گرفتن

حرام: کاری نباید انجام داد و انجام آن گناه دارد. مانند دروغ گفتن و دزدی

مستحب: کاری که انجام دادن آن‌ها بهتر است و ثواب دارد. مانند مسواک زدن و گفتن بسم الله در ابتدای غذا

مکروه: کاری که انجام ندادن آن بهتر است و ترک آن ثواب دارد. مانند خوردن غذای داغ و فوت کردن به غذا

مباح: کاری که انجام دادن و انجام ندادن آن به خودی خود نه ثواب دارد و نه گناه دارد. مانند راه رفتن و نشستن. البته اگر کار مباح را با نیتی الهی انجام دهیم ثواب می‌بریم مانند درس خواندن برای خدمت به جامعه اسلامی.



راههای بدست آوردن فتوای مجتهد

**** شنیدن از خود مجتهد**

**** شنیدن از یک نفر مورد اطمینان** ** دیدن در رساله‌ی مجتهد که اشتباه نداشته باشد.

* اگر برای انسان از طریق تلفن، سایت، جزوه، نشریه یا وسیله دیگری که معتبر و منسوب به مرجع تقلید است، اطمینان پیدا شود، برای او حجت است و همچنین می‌تواند برای

دیگران نیز بازگو نماید.

منابع و مآخذ:

آموزش فقه فلاح زاده
رساله مَصُور



راهنمای انتخاب مرجع تقلید

مرکز ملی پاسخگویی به سوالات دینی <http://www.pasokhgoo.ir>

سامانه پیامکی اینترنتی: <http://30009640.ir> شماره تماس رایگان: ۰۹۶۴۰۰

مجموعه سایت های پرسمان دانشجویی <http://www.porsemani.ir>

سایت مراجع عظام تقلید

آیت ... العظمی خامنه‌ای <http://www.leader.ir> یا <http://www.khamenei.ir>

آیت ... العظمی مکارم شیرازی <http://www.makarem.ir>

آیت ... العظمی سیستانی <http://www.sistani.org>

آیت ... العظمی جوادی آملی <http://www.esra.ir>

آیت ... العظمی وحید خراسانی <http://www.vahid-khorasani.com>

آیت ... العظمی نوری همدانی <http://www.noorihamedani.com>

آیت ... العظمی صافی گلپایگانی <http://www.saafi.net>

آیت ... العظمی سبحانی <http://www.tohid.ir>

آیت ... العظمی شبیری زنجانی <http://www.zanjani.ir>



کانون فرهنگی هنری موعود (عج)
مسجد امام حسن مجتبی (ع)



پایگاه مقاومت بسیج
امام جعفر صادق (ع)

سعادت بشر در این جهان و جهانِ آخرت در گرو عمل به برنامه‌های اسلامی و تطبیق برنامه‌های روزمره در تمام زوایای آن (چه فردی و چه اجتماعی) بر قوانین نجات بخش اسلام است. برنامه های اسلام به سه دسته تقسیم می شود:



الف: برنامه های اعتقادی (اصول دین).

ب: دستورهای عملی (فُرُوعِ دین یا احکام).

ج: مسائل روانی (اخلاق).

الف: برنامه هایی که در رابطه با سالم سازی فکر و اعتقاد انسان است و مُکَلَّف باید نسبت به آن‌ها **یقین** کند و آن‌ها را از روی دلیل بپذیرد و چون این بخش از برنامه‌های اسلام اعتقادی است و نیاز به یقین دارد پیروی از دیگران (تقلید) در آن‌ها راه ندارد گرچه می‌توان از راهنمایی دیگران برای تحصیل یقین بهره‌مند گردید.

ب: برنامه های عملی است، مشتمل بر بایدها و نبایدهایی است که با انجام و ترک آن‌ها (همراه با اعتقاد صحیح) اطاعت الهی تَحَقُّق می‌یابد مانند خواندن نماز و پرداخت زکات و پرهیز از غیبت و دزدی.

ج: برنامه هایی در رابطه با پرورش روح و سلامتِ روان آدمی است که شیوه‌ی تقویت صفات پسندیده مانند عدالت، سخاوت، شجاعت و عزت در نهاد انسان‌ها و مبارزه با صفات ناپسند و زشت مانند حسد، بخل و نفاق را بیان می‌کند.

وظایف مکلفین نسبت به احکام

امر و نهی‌ها یا باید **اجتهاد** کند و از منابع مربوط به آن‌ها (منابع فقه) دست یابد یا از کسی که با اجتهاد احکام را استنباط کرده **تقلید** کند و یا به **احتیاط** عمل نماید.

* بنابراین وظیفه شخصی که به تکلیف رسیده نسبت به برنامه های عملی اسلام یکی از این سه امر است: :: «اجتهاد» :: «تقلید» :: «احتیاط»

* احتیاط عبارت است از عمل کردن به احکام به گونه ای که مکلف یقین داشته باشد به وظیفه اش عمل کرده است. مثلاً کاری که بعضی از مجتهدین حرام می‌دانند و بعضی دیگر حرام نمی‌دانند به جا نیآورد و کاری را که بعضی واجب می‌دانند و بعضی دیگر واجب نمی‌دانند انجام دهد. (احتیاط ممکن است به یکی از حالات ترک عمل، انجام عمل یا تکرار عمل باشد)

* دانشمندی که احکام دینی را از راه استدلال به دست می آورد **مجتهد** و علمش را **اجتهاد** می‌گویند و کسی را که به مجتهد مراجعه می کند **مُقَلِّد** و مراجعه به او را **تقلید** می‌نامند.

* رسیدن به اجتهاد کار هرکسی نیست و بیش از ده تا پانزده سال کار علمی مستمر و بی‌وقفه می‌خواهد.

* کتب فقهی که با تلاش شبانه‌روزی دانشمندان اسلامی به رشته تحریر درآمده دربردارنده‌ی دسته دوم (دستورهای عملی یا فُرُوعِ دین) از مسائل دینی است که **احکام** نام دارد.

نیازمندی‌هایی که انسان در محیط زندگی خود دارد و فعالیت‌هایی که برای رفع آنها باید انجام دهد، به قدری زیاد است که یک انسان معمولی قادر به شمردن و نام بردن نام آن‌ها نیست، تا چه برسد به این که در همه آن‌ها تخصص پیدا کرده و اطلاع کافی به دست‌آورد. از طرف دیگر چون انسان کارهای خود را از روی فکر و اراده انجام می‌دهد و در جایی که می‌خواهد تصمیم بگیرد، باید اطلاع کافی داشته باشد و اگر اطلاع کافی نداشته باشد، نمی‌تواند تصمیم بگیرد، لذا باید یا خود در کارهایش متخصص (خُبَره) و صاحب نظر باشد یا از افراد آگاه و متخصص (اهل خُبَره) بپرسد و با دستور آنان وارد مرحله عمل شود؛ چنان که برای معالجه بیماری‌ها به پزشک مراجعه می‌کنیم و برای نقشه ساختمان به مهندس ساختمان اعتماد می‌کنیم.

پس ما پیوسته جز در موارد بسیار ناچیزی، زندگی خود را با تقلید می‌گذرانیم. واضح است که بدست آوردن همه معارف دینی از کتاب و سُنّت، کار هرکسی نیست و برای همه افراد مسلمان مُیَسَّر نمی‌باشد بلکه جز برای گروهی معدود امکان ندارد.

تقلید مشروع علاوه بر این که دلیل‌های شرعی دارد در واقع، رجوع جاهل به عالم؛ غیر-مجتهد به مجتهد و غیرمتخصص به متخصص است که اصلی عَقْلایی شمرده می‌شود و همواره در میان انسان‌ها وجود داشته و دارد و این‌گونه تقلید و پیروی‌های عاقلانه و منطقی محور زندگی انسان‌ها را در مسائل تخصصی تشکیل می‌دهد. از این رو، تقلید غیرمجتهد از مجتهد در احکام، رجوع کردن به متخصص است. به جهت آن‌که دریافت فروع دین یا احکام عملی تخصصی است و در صورتی که انسان به درجه اجتهاد و قدرت استخراج (استنباط) احکام الهی نرسیده باشد، لازم است از مجتهد پیروی و تقلید نماید.

بایام تقلید نکردن: باطل شدن عمل

کسی که مجتهد نیست و در کارهای دینی خود از کارشناسان دینی پیروی نمی‌کند، اعمالش مبنای صحیحی ندارد و باطل است؛ حتی گاهی ممکن است برخلاف نظر و فتوای همه‌ی مراجع تقلید باشد. چنین کسی در اعمالش هیچ‌گونه خُجَّتی نزد خدای مُتعال ندارد؛ چرا که برای اعمال خود دلیل و برهانی ندارد.

اعمال بدون تقلید

نبوده: کسی که مدتی اعمال خود را بدون تقلید انجام داده در صورتی که بفهمد:

- ♦ به وظیفه واقعی خود عمل کرده؛ مثلاً بعداً مجتهد شود و وظیفه‌ی واقعی خود را بفهمد
- ♦ یا عمل او با فتوای مجتهدی که وظیفه‌اش تقلید از او بوده مطابق بوده است
- ♦ یا با فتوای مجتهدی که هم‌اکنون باید از او تقلید کند مطابق است

در تمام این صورت‌ها اعمال گذشته‌اش صحیح است.

* تقلید در اصول دین و مسائل اعتقادی جایز نیست، بلکه انسان در اصول دین باید خودش به **یقین** برسد.

آدمی با گوهر گران‌بهای تفکر و تعقل و قوه‌ی انتخاب و اختیار از دیگر موجودات متمایز است و کرامت مسئولیت تکالیف الهی به او ارزانی شده که با عمل به آن‌ها به سعادت ابدی خواهد رسید.

افرادی که دارای شرایط ذیل باشند مکلف به آن تکالیف شرعی خواهند بود:

:: بلوغ :: عقل :: قدرت. (یعنی بالغ باشد، عاقل باشد، قدرت انجام تکالیف را داشته باشد).

بنابراین فرد عاقل و بالغ که قادر بر انجام وظایف شرعی باشد در مقابل امرها و نهی‌های الهی مسئولیت دارد و در صورت سرپیچی از آن‌ها عذاب خواهد شد و به پاداش اطاعت از آن فرامین هم خواهد رسید.

نشانه های بلوغ

از این سه نشانه به تنهایی علامت بلوغ و رسیدن به حَدّ تکلیف شرعی محسوب می‌شود:

♦ روییدن موزیرشکم (اطراف آلت تناسلی)

♦ بیرون آمدن مَنی (خروج منی در مردی که سالم است و مریض نیست، دارای سه نشانه است: ۱. همراه با شهوت باشد. ۲. با جستن بیرون آید. ۳. بدن سست شود. اگر هیچ یک از نشانه های سه گانه و یا یکی از آنها را نداشت، حکم به منی نمی‌شود؛ مگر آن‌که از راه دیگری یقین کند که منی است.)

♦ تمام شدن سن ۱۵ سال قمری در پسران و ۹ سال قمری در دختران

سن بلوغ بر مبنای سال شمسی در پسر «۱۴ سال و ۶ ماه و ۲۲ روز» و در دختر «۸ سال و ۸ ماه و ۲۷ روز» به **مرجع تقلید و شرایط آن** به مجتهدی که دیگران از او تقلید می‌کنند «مرجع تقلید» گویند.

مرجع تقلید باید دارای این شرایط باشد:

اجتهاد، عقل، بلوغ، عدالت، مرد بودن، زنده بودن، حلال زادگی، شیعه‌ی دوازده امامی بودن و بنابر احتیاط واجب اعلم بوده و حریص به دنیا نباشد.

* عادل به کسی گویند که دارای قوه‌ی عدالت باشد و عدالت حالتی درونی و نفسانی است که انسان را به تقوا واداشته و از ارتکاب گناهان کبیره و اصرار بر گناهان صغیره باز می‌دارد.

* اعلم کسی است که قواعد و مدارک مسأله را بهتر بشناسد و بر نظایر آن مسأله و اخبار اطلاع بیشتر داشته باشد و همچنین اخبار را بهتر بفهمد. به طور خلاصه اعلم کسی است که در استخراج (استنباط) و به دست آوردن احکام از دیگران استادتر باشد.

* در شرایط مرجع تقلید، ملیّت و زبان و سنّ و سال مطرح نیست، لذا در تقلید از مجتهد جامع الشرایط لازم نیست که کشور و محل سکونت مرجع تقلید با مقلّدین یکی باشد یا سنّ او از سایر مجتهدین بیشتر باشد.



تعریف یقین: «یقین در لغت، به معنای شک نداشتن در یک امر و محقق بودن آن است. یقین یعنی علم به چیزی همراه با قطع به این که خلاف آن هرگز صحیح نخواهد بود. یقین اعتقاد و باور محکم و استواری است که مطابق با حقیقت باشد و به هیچ وجه امکان زوال و احتمال خلاف در او راه ندارد.»